

کوشش

روزنامه بهیچ دسته عرب و جمیتی بستگی ندارد

نوبت اصلاحات داخلی است راجع بگردستان چه روه اتخاذ خواهد شد؟

مسئله بهداشت گردستان يك اقدام نوع پرورانه

تجدلی محقری اثری یافت نشود چنانچه که تشکیلات مرکزی همدستان این باشد دیگر احتیاجی نیست که از بخش ها و دهستانها جتنی بنماییم . ولی انتظار مردم این است که از طرف وزارت بهداشت اقدام عاجلی در بهبود وضع بهداشتی بعمل آید و به بیمارستان سرورسورنی داده شود تا وانما اشخاص بی بضاعت و طریقه دوم بتوانند با مراجعه باین موسسه خود را از چنگال بیماریهای خطرناک رهائی بخشند

در حواله گردستان شهرستان دیگری است که مرکز آن گرمستانه دارای چند بیمارستانها و پزشکان ساکن است و فقط اشخاص مستطح گردستان در مواقع ضروری میتوانند به آنجا پناهانده شده و یا با تحصیل هزینه های گرفتار پزشکی از تهران یا گرمستانه برای معالجه بیماران خود بخوانند و اگر مخاطب سالیانه این طریقه را از نظر معالجه بیماران خانواده معاسبه کنیم قطعا از میزان هزینه سالیانه يك بیمارستان کمتر نخواهد بود چه بهتر از این است که این طریقه که میتواند کمک کننده از خود گذشتگی نشان داده با ایجاد بیمارستان آبرومندی از یک طرف نیازمندیهای خود را مرتفع نموده و از طرف دیگر به بی لوابان و آنهایی که جز دها وسیله ای برای مالیه افسراد اتون خانواده خود ندارند کمک کرده باشند و معیشتی که مادران و پدران قانون جگر گوشه های دلیده خود را در جاو چشمان شما در نهایت استیصال و فقر از بسیاری از دست میدهد چگونه شما از فرزند شیرین خود لذت ببرید در مکانی که همه گونه وسایلی مدوا را برای بیمار خود تهیه کرده بزرگ از خارج برتالیست او آورده اند چرا نظری به آن چهاره نمی افکنید که قدرت خرید حتی چند ریال دارو را هم ندارد

در حالیکه نظر و لباژ میکنند که بیمارها شما شما باید چرا کسوفه چینی بحال زار آن بدست نمی افکنید که حتی قدرت برداشت حق تقدم يك معین بزرگوار هم ندارد

دیر یا زود همه خواهیم مرد مرگ پای است که غمی و فقیر از آن سبب بگذرد و هیچیک را برای مراجعت نیست آنکه در این دنیا خدمت خلق کرد نامش ظهوران خواهد ماند و آنکه بدون اثر رفت و رها رفته و مرده است بقیه در صحنه ۸

مسئله بهداشت امروزه در گردستان یکی از مسائل بسیار مهم و قابل توجه دولت و ساکنین این منطقه است بروز و اشاعه بیماریهای گوناگون کلبایی دوا نبودن پزشک سلامت مردم این ناحیه را خطر انداخته و بزرگ و کوچک غمی و فتریه لزوم ایجاد نموت سازمان های بهداشتی می برده اند .

امروز در تمام شهرستان گردستان يك نهمه بیمارستان در سنجج موجود است و س از بهداشتی جز نابل و واتایم

بر خلاف دانشندان که بدون مطالعه و با روی نظریات خاصی تصمیم می مورد و زبان آوری میگردانند ایشان در هر گونه تصمیم و اجرای هر فتنه ای که با گردستان تباهی داشته باشد مطالعات کافی بنمایند و مخصوصا تا کید می کنیم از تجدید غلطیات گذشته گردستان جدا برهیزر لایبش

این روزها اخباری راجع بگردستان در جراید با بخت منمکنی شده بود که اگر چه همانطور که معارن نخست وزیر اظهار داشته اند در ایران آمیز میباشند و تردیدی نیست که نگرانی ملی در مردم و خصوصا در ساکنین شهرستان گردستان که نه نوز دولت در آن حکمرانست ایجاد نموده و مرکز قوای عظامی را در بخش سار که بنظور تقویت یادگان های آنجاست همه ای حمل بر مقدمه اردو کشی به آن حدود میداند گرچه از روی مصالح کشور بناسبت و قایمی که در اواخر اسفند ماه در قسمت سر دشت روی داد روه احتیاطی دولت تقویت آن یادگان ها بود ولی این سرگز قوا اگر بنظور عالیس غیر تقویت احتیاطی باشد نمیتوان آنرا اصلاح سلکت دانست و از این جهت است که ما از هم تا کید میکنیم دولت همانطور که برای روشن نمودن سیاست خارجی بسیار مدبرانه اقدام نموده و توفیق حاصل کرده در مسائل داخلی هم این فکر و تدبیر را نباید از دست بدهد .

موضوع گردستان را همانطور که به کرات گفته ایم باید بسیار کوچک بندها و دولت نباید فقط صرف چند گزارش واصله در آجاست به عملیاتی بزند که پیشانی بر آورد . اگر روش غیر مسالمت آمیزی در گردستان مسول گردد علا این فکر تقویت میشود که دولت نسبت به گردستان طرفدار روش خشونت آمیز است و فقط تقویت این فکر بصلاح مملکت نیست

آذربایجان بین دولت و اهالی آذربایجان داده خواهد شد .

نخست وزیر دولت شاهنشاهی ایران اسدقوام سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مقیم تهران

سادیکنف صدور این ابلاغیه که حاکی از حسن تفاهم کامل است نه تنها در ایران نوید مسرت بخش بود بلکه نگرانی های بین المللی را نیز مرتفع ساخته و با حسن نظر و امیدواری قابل تکیه کردید .

آقای نخست وزیر از روز اول زمانداری خویش حل موضوع ایران را از لحاظ سیاست خارجی در وجه اول وجه همت خویش ساخته و متفقد بوده اند پس از حصول نتیجه قطعی و رضایت بخش دست با اصلاحات جدی در داخله کشور برتند

اکنون که این مرحله اول پیوده شده نوبت اصلاح امور داخلی است و شاید غیر از اصلاحات عمومی که مورد توجه آقای نخست وزیر علامتوف به آذربایجان و گردستان باشد . راجع به آذربایجان ماده ۱۳ ابلاغیه روش دولت را تا حدی معین نمودولی از موضوع گردستان بعضی نشده است و هنوز معلوم نیست که برای حل مسئله گردستان دولت چه روه ای اتخاذ خواهد نمود .

اگر فرض کنیم دولت ناحیه شمالی گردستان را جزو استانهای آذربایجان دانسته و رسیدگی به اوضاع آنجا را شن در ترتیب مسالمت آمیز مورد توجه قرار دهد تا حدی نگرانی هایی که در این باره بوده رفع خواهد شد .

ولی اگر دولت این دو موضوع را از هم تفکیک کند و بخواهد روشی غیر مسالمت آمیز راجع به ناحیه شمالی گردستان اتخاذ کند باید بسیار نگران بود .

مادر هر موقی که ایجاد نموده راجع به گردستان نظریه ای اعلام کنیم گفته ایم سیاست مسالمت آمیز تنها سیاستی است که میتواند برای ملت و مملکت مفید باشد و با هر گونه جنگ و ستیز و برادر کشی جدا مخالف بوده ایم . اکنون نیز مجددا در باره گردستان همین عقیده را تسانید میکنیم و مخصوصا از جناب آقای نخست وزیر و اولیای مسئول امور انتظار داریم

افق سیاست نیرو ناز شده بود و مشکل ایران روز بروز از وخاست بیشتر اوضاع حکایت میکرد نگرانی و اضطراب از حد گذشته بود بطوری که بسیاری از کسانی که به سیاست وارد بودند حل موضوع ایران را فوق العاده مشکل و حتی رسیده به مرحله بن بست می دانستند

نخست وزیر ایران با جدیت و پشت کار شایان تقدیری میباشید که داخله مملکت را که به استقلال و حاکمیت ایران از لطمه وارد نکند بیاید مذاکرات مفصل و ستادی و جلسات طولانی از جنوی پیش ادامه داشت ولی چون اطلاعاتی از آن حتی به معارف مطلع هم رسیده بود بیشتر تولید تردید کرده بود .

وادیو تهران با تعداد روز جمعه ابلاغیه ای را که در سه ساعت بعد از صلح با معنای آقای نخست وزیر و آقای سادیکنف سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی رسیده بود با اطلاع چهارمیان رسانید این مژده مسرت بخش نگرانی های عمومی را مرتفع و بار دیگر حسن تدبیر جناب آقای قوام السلطنه و هلاکت ملل اتحاد جماهیر شوروی را بنوبت حسن روابطه دوستانه با ایران به ثبوت رسانید اعلامیه رسمی شرح ذیل بود :

اعلامیه در باره مذاکرات شوروی و ایران

مذاکراتی که از طرف نخست وزیر ایران در مسکو با اولیای دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آغاز و در تهران پس از ورود سفیر کبیر شوروی ادامه یافت در تاریخ پانزدهم فروردین ۱۳۲۵ مطابق با چهارم آوریل ۱۹۴۶ به نتیجه ذیل رسیده و در کلیه مسائل موافقت کامل حاصل گردید .

۱ - قسمت های ارزش سرخ از تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۴۶ یعنی شنبه چهارم فروردین ۱۳۲۵ در طرف یکجا و هتم تمام خاک ایران را تخلیه بنمایند

۲ - قرارداد ایجاد حرکت مضطربت ایران و شوروی و شرایط آن از تاریخ ۲۴ مارس تا اثنای مدت هفت ماه برای تعیین به مجلس پارلادهم پیشنهاد خواهد شد

۳ - راجع به آذربایجان چون امر داخلی است ترتیب مسالمت آمیزی برای اجرای اصلاحات بر طبق قوانین موجود و با روح خیر خواهی نسبت به اهالی

حکف سیاسی

پلام آقای مهندس گوردوزی

دنیا و ایران در هفته پیش

« هفته پیش از اجلاس سیاسی بسیار اطمینان بود و در همین »
« قطعی بر نوشت ما ح و چنانکه اساتید تاثیر »
« فراوان داشت »

هفته پیش بیکبار دیگر صدر مشق خوبی به شورای امنیت داده شد. این آزمایش ها از پاره هیرنی است که برای چندین بار بر یکسارین جامعه که بیس و صدا دول قانع و منلوب، دمیون، مستمره، تحت الحایه در آن با هم در یک ردیف نشسته اند نواخته میگردد.

با این آزمایش و حسنا تحقیق و تجزیه تاریخ گذشته در همین اینک معلوم میشود که ان مجلسی که خالوده آن بر روی اصول صحیح و علمی رفته شده باشد و اجتهادانی که گریک و میش را با زور و زور بخواهند در آنها آبدهند قابل دوام نیست، این حقیقت غیر قابل انکار که گواهی بارز بر آن زاده گوی و آزادیخواهی کشور پیشرو و شوروی است. نیز روشن می شود و واقع بنیان می بیند که برخلاف دیگران فقط آن ملی که سنگینی بسیار چنگ را بردوش خود تحمل کرده اند، از چنگ مجسمه پیزارنه و در راه آزادی و دموکراسی که بیهای گراف بدست آورده اند تا غلبه آخر مبارزه میکنند و مطلقا اینگونه ملی آزاد هستند که برای ستعنا و بیان و تمهیدات و وعده های خود که متدرجند سیاسی و ضامن نیرومندی واقعی و مشترک آنها است اهمیت زیاد قابل میشود.

هنگامی که غوغای نفت در دنیا گوش هارا کرمیکند در ایران چه میگذرد

تاریخ دو جنگ بیابان و بین المللی اول و دوم را آوردن بر لیدو به پیشه سیروری انقلابی بوده و با محصول حسن نیت کار گردانان واقعی صحنه های جانسوز نبرد میبوده است و با هیچ مربوط به این دو نیت بلکه نتیجه داشتن و بیشتر و بهتر داشتن نفت میبوده است اهمیت نفت را در صلح و جنگ و در راه ایجاد جهان نوین از پیام کلمات و بولتن نیز میتوان بدید.

« رئیس جمهور عزیزم - امر دول معنی بزرگ واقعا بخواهند نیروی فرانسه بر ارتش دیوانه آلمان پیروز شود چاره نیست « جز اینکه خواه ناخواه میبایستی کشنی های عظیم و پر از نفت خود را بسوی بنادر ما برای مبارزه قطعی جهت بدست آوردن صلح و آزادی و رهایی از شر سربازان وحشی آلمانی گسیل دارند. یک قطره نفت یا خون یک سرباز. « کلماتو » در همین جنگ گفته نیز هنگامی که رومل و نیروی محور از املیوت و مرسی مطروح گذشت و درب درواز های مصر را میگویدند و یا مونتیکه مانند موروملخ برای نظم نوین از کومماری گفتار با سرزمینه خود را با لایمی کشند چنان همان صحنه های دیدلناسی گذشته ولی با ت و مضون دیگر تجدید میشد.

در آبروز ها همه از یکدیگر می برسیده بطور ممکن است دامنه جنگ

که هنوز آتش آن در اروپا با این یافتن به اقیانوس های دور افتاده و مالی کوب با (با کوی دوم) کشیده، ولی این پرش یک جواب قطعی و نهان شکن داشت و آن این بود که مینتر بیخواست « التهاب و عطش عجیب خود را باطلای سباه و سیال با نفت باکو و عراق و ایران فرو نشاندوبس

امروز کشورهای متحد امریکای شمالی در دنیا تنها مانکنی است که در جزو کشورهای نفت دار درجه اول محسوب میگردد و برای خود موقع خاص و اطمینان بخشی دارد و کشور به طور شوروی نیز با داشتن منابع پشمبار هرگز چه در موقع جنگ و چه هنگام صلح در زحمت نیست و رومانی نیز سر چشمه های غذا داد و نفت شیرخوشی دارد و در دست خاور میانه که میدان منازعات سیاسی است. کشور عراق ششمین مرتبه را از حیث میزان تولید در دنیا دارا بوده و تاریخ استخراج نفت در این کشور از ۱۹۱۱ شروع میشود ولی در ۱۹۲۹ (ایرانک پترولیم کمپانی) بوجوب یک تراو داد ۲۵ ساله به اخذ امتیاز منابع نفتی سرزمینی ایران که در حوالی بغداد و موصل است و پیش از ۳۲۰۰۰۰ میل مربع میباشد موفق گردید و عمالتا کشورهای انگلستان و فرانسه و امریکا از نفت عراق بیش و کم سهمیند ولی سهم عمده اختصاص به بریتانیا دارد.

نفت ایران

موصول نفت ایران در سال با ایلع بر ۱۲-۱۷ میلیون تن میگردد که پنج میلیون تن از نفت رومانی بیشتر است. کبابی نفت انگلیس و ایران حق تمام انبیر امتیاز مورور را دارد که ۲۸۵۰۰۰ تن ۱۹۰۱ به او اعطاشده و این امتیاز در اراضی بوسمت ۲۵۰۰۰۰ هزار کیلو متر مربع بسط داده شده است و در خصوص سایر ذخایر نفتی که در شمال کوپر خوربان در دل خاکهای ایران پنهان است دو کشور شوروی در ۱۹۱۸ و ۱۹۲۰ امراریس بود که بظن همجواری با مناطق نفت خیز و حیاتی او حلقه نباید به کبابیهای خارجی امتیازی واگذار نمود ولی این نظریات های نبیشت تا در ۱۹۲۲ تراو داد بین ایران و کبابی (استاندار اوایل) با اعتراض شدید آندوات مواجه شد و لذا نیز در یکی دو مورد دیگر که خطر تولید میشد جریان امر با مملوت دیدلناسی شوروی روپرو گردید.

این جریانات بود تا در این اواخر مانور های منجره ساده و نفت پاشی با بخردا که صدر به این آتش ها بوضع عبیسی رامن زد و بعد که نوبت به حکومت های بر صبه نیز رسد تریق قدم اوسط قوام پیر مرد محکم و مرد قوی و آزان برای حفظ استقلال کشور

بر داشته شد و یک دعوی مهم سیاسی - بوی آتريک لین - المللی از آن بشام مر سید برای همیشه خاتمه داده شد حالا این با مجلس آینده است که خطای اندام کاریهای حکومت های گذشته را با تصویب فوری این قرار نامه که آرزوی کلیه افراد مطلع و واقع بین است جبران کند.

آذربایجان ...!

در ساعت سه بعد از اصف شب ۱۵ فروردین ماه در کج و وزارت امور خارجه قرارنامه با عطاء آقای نخست وزیر و رفیق سادجیک رسیده که طبق اعلام منتشره دولت ایران میبایستی تا هفت ماه دیگر قرارداد شرکت معطلت نفت ایران و شوروی را به مجلس آینده تسلیم کند و در ضمن ارتش سرخ ایران را تا ۶ ماه (۱۶ اردیبهشت) تخلیه میکند و قضیه آذربایجان چون موضوع داخلی است، بنحو پنهان و غیر خواهانه فیصل خواهد یافت. جز صورت مشکلات داخلی و خارجی بدین ترتیب حل میشود و باید بقول شکبیر منته بود که « آذربایجان است خوش است »

تخریب دقایق دشواری را می گذرد

در اطراف تصادفات هائی که بین اکراد و فرای دولتی اخیرا روی داده تعداد سائله آمیزی از کشته و تلفات قابل گردیده و معاون نخست وزیر در مصاحبه خود با خبرنگاران جراید خارجی واضح بگردستان اینطور اظهار نظر نمود: « اخبار گردستان فوق العاده افران آمیز است. دولت بر اوضاع این ناحیه کاملا مسلط است » ولی اظهار معاون نخست وزیر مانع از این نیست که بگوئیم « تخریب دقایق دشواری را میگذرد »

نظر کلی بر ویداد های جهان

« سازمان ملل متفق جدید از هر نظر »
« که باشد باید با روش هائلا و »
« چنین خود را تسلیم احساسات و »
« تحولات واهی نکنند. امروز دنیا »
« پس از آنچه اشتباهات و خسرو »
« دشمنی که سرانجام باقیست در »
« دشمنی و سخت صلح جایبش و »
« باید زبان بپذیرت حق دارد از خود »
« و برسد آبا راست است که »
« جامعه مللی باز وجود پیدا کرده »
« است ... »

شوراء امنیت و یک دعوی خنده آور مهم سیاسی جمله بالا حرف نیست. سوء ظن و جهل و سوء تفاهس که از روز اول مابین دول بزرگ وجود داشت و هنوز هم وجود

دارد بر خلاف سابقه عده ايجاب میکرد که ملل شوروی بایدک نوس ۱۸۰ درجه (از فنلاند گرفته تا پشت بونان و ترکیه و کسی بنظر منتر برای خود و خارج از مرز های خود حریم امنیتی درست کنند این موضوع تا حال تا اندازه واقفیت پیدا کرده ولی خواه ناخواه شدنی است اما سیاست های کهنه و امپریالیستی چه عکس العملی در برابر آن نشان داده و میدهد معلوم نیست بهر صورت تا این قضایا حل نگردد شوراء امنیت که بایدکامی منظم برای صلح پایدار است باز بجهت و منصرف کردگاه بیش نیست شوراء امنیت که اینروز ها در یورپ در حال تشکیل است مرتب فعالیت میکند و پس از قضایای ایران که چند روزی داد و بیداد آن را بر کرده بود و به این وضع غایب شده که باید احتیاط میتوان گفت درز گرفتن این شکاف با رضایت طرفین دعوا میبوده است باید منتظر مسائل جدیدتری نظیر قضایای مصر و یونان و اندونزی و سوریه و هندوستان بود تا روز ششم که قضیه ایران مجددا مطرح میشود و دستا جزیلیم جزیلیات رضایت بخش امر نامه دیگری به شوراء تسلیم نخواهد شد

انتخابات یونان پایان یافت اما. انتخابات یونان پایان پذیرت و اسقف داماسکیوس استعفا خود را تسلیم ژرژ پادشاه یونان که دولتین بر سر میرد نمود اجزای دست چپ سیاه جهت دولت بزرگ فرستاده اند و بنابین انتخابات بر قانونی اعتراض داده و ادعا را جنگ های شدید و مسابقه داخلی تهدید میکنند بهر صورت نقش کابینه که در بروز تشکیل شد باید فهمید.

از همه جا

دانشگاه یارلمان انگلیس هنوز در هت هتته و معلوم نیست بالاخره به نوع حکومتی از غالب فکر و تجربه مند این سیاستمداران نصب هت هت خواهد گردید وزیر امور خارجه امریکا ستر برنز پیشنهاد کرد که در ۲۵ ماه آوریل و در اواخر دولت بزرگ در پاریس مجلس مشاوره تشکیل دهده تا طرح های مربوط صلح را بررسی کنند. اسمیل مدنی با شناختت وزیر مصر سوید پیمان نوین انگلیس و مصر را تهیه و تقریبا بشایدگان مصر که آمادگی برای مذاکرات با امنیت انگلیس هستند تسلیم خواهد گردنایسته لیستان شوراء امنیت یادداشتی فرستاده و دروش حکومت ناشیستنی فرانکورا برای صلح و آزادی بر خطر میدانه میگوید که دنیا میبایستی حکومته زیرال را در پاریس بر حسب بشناسد. دولت مستقل برمه تشکیل خواهد دهده. ترومن طی نطقی در شیکاگو اظهار کرد خاور دور و خاور میانه امروز میدان نازعات سیاسی شدید است و هدف جنگ آینده مستقیما امریکا خواهد بود و انگلیس و شوروی نباید فراموش کنند که ما در این دو منطقه منابع یشماری داریم !! مجارستان. مایون لیره غرامات جنگی باید پرداخته نا بدیدگان جبهه اولت برای تحویل گرفتن جامعه ملل گذشته در زانو خود خواهند پانت.

باز هم در اطراف سیاست زبان

آملی دکتر اسمعیل اردلان مدیر محترم روزنامه کوهستان

نگارنده از کسایت که ایان ارادت را بجناب عالی دارد و سر تنظیم و تکريم باارواح پاک نيکون شما که از ما را و مردان علمی ايران تفرود می آورد و باور بفرمایید نام اردلان دست بپوش خاطر من است و روزنامه کوهستان را هم با کمال علاقه و وقت میخوانم. تا کنون چندین مرتبه خواستم تذکراتی بجناب عالی بدهم ولی بسلاطنتی خودداری کردم تا اینکه مقاله جناب عالی را در باب سیاست زبان در شماره ۴۵ روزنامه کوهستان خواندم و در خلال مطور آن مانده بیشتری از مندرجات عبار های پیش احساس کردم که احساسات مبین برستانه و ایران دوستی شما محمود و منصف بر منطقه غرب و کردستان است و بشبه نگارشاتان نوعی است که احساس حسرت نموده جاهل و ابلهت نادانی و عدم توانایی از فهم و درک آن مطالب زود متاز ساخته و ممکن است برخلاف قصد نویسنده چنین تصور نماید که سخنانی که در این باره است و با کرد افلیبی است که زیر فشار و تعدی اکثریت غلظت قرار گرفته دو سه تیکه خود جناب عالی از همه بهتر می دانید که در ایران اساسا اقلیتا تشریفی در کار نیست و اگر فرض آنهم جایز باشد در زمینه کرد و فارس این فرض قطعا منطقی است و کرد و فارس همیشه دوبرادری بوده و هستند که پیوسته دوش بدوش همدیگر کشور کهن سال اسلامی ایران را بنا بر استعمار و عظمت نگه داری و پاسایی نموده و از این بیخ هم باید بشکند.

سخن میانه از چیزهایی که بر اندازد و بر اندازد و به نتیجه گشود من و آنرا شایسته و زحمت داد همانا کله کرد و فارس یا کرد و کردستان و محرم و مصلحان بود و این مطلب خالی برای من تازگی داشت زیرا من در مقام شالی سران هم که همه سکنه آنجا نیز کرده بودم و هیچوقت چنین گفتمی که وی دوست و جدایی امیدم از زبان آنها نشنیده ام و اما در باب زبان که آملی اقبال نویسنده مقاله یادکار ایراد گرفته و من فرموده ام لبه اردی زبان غلظت و دارای ادبیات جداگانه بشمار آید که چه بده ادیب نیست و زمینه زبان فصلی نگردم ولی آنچه در وقت نگارنده ما موردیت خود دو این منطقه می بودم زبان کردی سر نظر از اوزامه ای می که در آن راه یافته شامی از زبان فارسی قدیم است که از زبان فارسی نامی از لغات اختلاط و استزاج آن با واژه های تازی یا اثر مانده است بطوریکه نمیتوانیم بجز عرض کنم اگر فارسی دانهای فهم مانده زردشتیهای کرمان و بزد مردم تالین و کوهستانهای آن تا برسد باهالی جندق و باساک ایران نامی کردی را برشان مرده دارید قطعا بدین هیچگونه زحمتی آراخواهند نمید و همچنین زبان آنها را متکلیف ایران نامی کردی بی زحمت نخواهند

دانت (همانسیکه از حیث لباس مخصوصا لباس زنان از زردشتیهای بزد خیلی شبیه و تقریبا با اندک تفاوتی با لباس مردم اینجا متحدالشکلند) و این موضوع را خود من در خانواده ام که بزودی هتم تحریر کرده و متوجه شده ام و اغلب واژه های کردی همان واژه های است که در برد مستعمل است و از قبیل مل یعنی گردن گیر و گور یعنی بزرگ درست و راست یعنی صحیح - نه یعنی مادر بزرگ یا با یا باوا یعنی پدر بزرگ یا تک و فال یا قلوب یعنی صدا - سوزی و سیا یعنی فرود - کاریز یعنی فلات - کاکا یعنی برادرزاده یا دادا یعنی خواهر - چایین یعنی سرما خوردن - آو بجای آب سرد بجای خواب - چانه یا چنکه یعنی زخمندان چلو و چش بجای حشم و اسامی از قبیل کبسر و کیکاس - قباد - رشم - پرام اردشیر و اهداد از یک بیخ و خیلی از واژه های دیگر که بواسطه اشتراک طول کلام معیال با پیش نیست و بهیئت مناسبت بنده و اهل نژاد بدون زحمت لبه کرد بردارند و اکثر نیازمند ترجمه میشوند و باین بیان اگر لبه کردی زبان خاص جداگانه بدانیم و ملک آن این تفاوتی جزئی و سردون شمردن آن لبه باشد قطعا زبان معلی ستان و یا با تک و نازن را هم که هیچ فارسی زبان تهرانی و اصفهانی نمی فهمد و فارسی سرود شایه بکردی بودیک تری باشد تا بفارسی امروز باید آن را نیز زبان مخصوص اردی ادبیات ویژه داشت زیرا با این زبانهای معلی شرم سروده میشود تا برای این جناب عالی که با کلمات ما به تنگواران ایرانی است استعنا میکنم مطالب روز نامه را نوعی مرقوم فرمایید که از این بیشتر منضم اتحاد و یکسانی قاطعه است ایران باشد و اگر اندک اختلافی هم از سابق زحمتها و زحمتها در بین این دو بردار بود و آن اختلاف جزئی باعث انتیازی که موجب تحریف ملول ایرانی در طقه جاهل و نادان گشته باشد باید جناب عالی و اتان لها روشنگران می و کوشش فرمایید آن اختلافات از بین برود و این دو برادر مانده پیش پشت به پشت هم داده برای نجات ایران عزیز قیام نمایند.

در شانه نوشته است بکنه رن فراموشی که بیان اهازه فرموده اید و خود اعداد نیست زیرا بسیار دیده شده که خارجیا مطالبی را در لباس ساگی و سخاوری ولی بنظر برهم زدن و حسد ملی و ایجاد دوریت و نفاق بین یک ملتی مینویسند و از آن استفاده می برند و باور بفرمایید یکی از عوامل انحطاط اسلام و تفرقه مسلمین نیز همین نوشتن ها و سخوارگیهای خارجیان بود که یکمده مسلمان را با ایجاد تصبات غلام جاهلانه بر همه دیگر تحریک تمام می نمودند و شاه صدق مدعی جنگ ای ایران و شاهی و حرب و ترک و اول آن میباشد.

چاپخانه شرکت مطبوعات

مقارنه دزدان

۱۷-

واقایل با صدای بلند قدمت هالی که منبش را لیداست میخواند و معصوما این کلمات در قلب هراس تاثیر منوی نمود. در عتبه ثابت باشد با جدیت کار کتبه و خود را قوی سازید پس از خواندن این جملات و درک معانی واقایل گفت: بسیاری از اوقات نا امیدی و بزرگتری فریب من دست میدهد. آنوقت است که از خدای بزرگ کمک میخواهم و دیگر خود را تنها نمی یام.

هراس گفت من اصلا نیده ام چرا شما و آریکو اینجا زندگی نمی کنید؟ شما در اینجا بدبخت هستید.

در این لحظه صدای صوتی از جنگل شنیده شد. واقایل کتاب را به حلقه در جیب گذاشت و گفت آنها آمدند. من حلس می زدم که امروز زود بسر گردند. زاهران یکی پس از دیگری وارد شدند. امروز دیگر آنها موفق به راهزنی شده بودند و از این جهت خیالی غش بین بودند. برای رشم خستگی خود سرخ جوس بیچاره آمده با سفنان گوناگون خود او را آزار میدادند. هراس هرگز به شنیدن این گونه سخنان عادت نداشت تا هنگام نگاه کردن به واقایل میگردد.

واقایل تبار صله ای که برای کمک به دوست آزارش باطارش رسید این بود که نار خود را بر داشته مشغول اوختن خود و اهلان هموس را رها کرده کرد واقایل یک آهنک جنگلی خواست و با آن میخواند. این آهنک بقدری در راهزنان اثر گرفت که با خود اندامم آواز شده می گفتند که است که بتواند از جنگ فرار کند.

در این وقت بود با صدای بلند می گفت: آریبیت بیل آوازا است که به سفنان روح می منوی در روزی. تصنیف واقایل تمام شد و زاهران هر یک به خوابگاه های خود روانه شدند. آریکو، هراس و واقایل نیز با هم مکان خود رفتند.

هراس در بستر خود شنید که از آن واقایل بود مشاهده کرد این نیز بدون شک موجب تامل واقایل و انسیت به محبوس جوان نشان میداد.

واقایل کتش را از تن بدر آورد این موقع هراس زخم بزرگی در سینه او مشاهده کرد. آریکو رو باور کرده گفت: آیا میدانید زخم سینه برادر من از چیست او سخن خود را دنبال کرده گفت: این ماستو است که او را اینطور مجروح نموده است، زیرا در هنگامی که ماستو مار گورا یکشده که بگرا اسپر از دستش فرار کرده بود واقایل خود را برای شفاقت چلو از افته خواسته بود و از کشتن او چلو گیری کند شاید در همین چند روزه باز دست و ششک ماستو بطریق هولناک تری بر سینه برادر من فرو آید.

هراس ساعتی چند در خفتن خواب میداد. ماند دیدن سینه مجروح واقایل او را پیش از پیش از وحشیکری ماستو آگاه

نمود و بی برد که هر چند واقایل بظاهر بسیار آرام و متین است ولی بوقع بسیار جوسر و بی باک میباشد و از سرک و اوجه ندارد.

هراس با خود می گفت: هر ازادایی است ای کاش خدا بین هم آند در قوت میداد که مانده او می بودم

فصل نهم

((سرگذشت يك پتيم))

فرمای آن روز هم چون روز پیش برای محبوس جوان شناسه و هویتگین بود واقایل امروز صبح زود بیدار شد هراس اصلا او را ندیده زیرا واقایل تا آنجا که مقفود بود از او دوری می کرد.

محبوس جوان پس از آنکه بدنی به صحبت های گوناگون زاهران گوش داد از غار خارج شد تا جای هیشکی خود را در زیر درخت تیریزی بدست آورد.

آنجا او چیز دیگری جز صدای ارتعاش خفیف دوختان و نشات روح پرورد مرغان نمی شنید.

کامکاهی صدای ناموزون خنده ییکی از دزدان از اهلاق غار بگوش او میرسید و رفته تفکراتش را قطع میکرد دو روز بود که هراس پیش از همیشه محزون و متفکر بنظر میرسید.

رقنای او در شهر آن را لایه دیگر گولانده خوشحال و زنده دل و داد این جوان مجزون و افتاده که ساعت های شتایی بی حرکت در زیر دوختان میماند نخواهند دید.

زاهران مدت مدیدی در غار میماندند آنها بزودی بیرون آمده در چند قدمی هراس باری ورن مشغول شده واقایل هم کمی چه به آنها پیوست و هراس او را دید که آریکو بودیک شده در گوش او چیزی گفت آریکو او را اینتایک حالت نفی نبود گرفته سپس در میان خنده های استهزا آمیز زاهران کارت ها را بر زمین ریخته از جا برخاست و برادر با هم براه افتادند و کمی بعد در میان تخت سنگها از نظر ناپدید شدند.

پس از مدتی هراس آنها را از دور دید که در کنار یکدیگر هر حال که کامکاهی میایستادند راه می رفتند.

آریکو به تقاضی که در غار خوابیده بودند ملحق شد و راه ابلز از جدا شده بطرف هراس روی آورد پس از شنیدن بهادی او کتاب انجیل را از جیب بدر آورده مانند روز پیش مشغول خواندن آن شد هراس لغات مشکل را برای او بیان میکرد.

مدتی بدین ترتیب سپری شد پس از آن هراس از سکوت واقایل آنداده کرده گفت: واقایل حالا که کسی وقت داریم میخواهم سرگذشت خود را برای من بیان کنید.

اوجت : رفیق چالاک

از گلادیز

گوشه‌ای از ادبیات کردی

ترجمه : ابراهیم نادری

گل و خار

صبحگاهی که غوغای جهان تپ تپ چهره زمین خود را از افق خاور و از زو بردمهای تاریک شب بیرون آورده بود پنج کیل سرخ نیز در میان بساطچه کوچکی چشم بر این جهان بگشودند. این پنج گل سرخ که برای اولین مرتبه شمع زردین آفتاب بر آنها تابیده و اولین روز زنده گانی خود را شروع نموده بودند هر یک بر کلبه قرار گرفته هیکل زیبای خود را دستخوش نسیم صبح کاغان آشته و منظره دلربایشان را بروی آبلزالل بر که ای منمگس گروه بودند. این پنج خواهر را که روزی باغبان اول از یکنه کلنی بار آورده بود امروز هر یک جدا جدا بر فراز شاخساری جلوم گرفته بودند.

اینها پنج خواهر جوان بودند که تا آن دم از لدایه و زیبایی های طبیعت بهره مند نگردیده و اولین دقایقی بود که از یک خواب دور و سرسام آورده بر این جهان بر سرکت چشم گشوده بودند. همین صبحدم بود که بر فراز شاخسار زندگی پدیدار شده نظره های شبنم بر چهره و نگینشان چنان فلان بود که گویی قطرات اشکی است که بر گونه کلنگر دویشگان زیبا از فرط شفق سرا زیر میشود.

خواهر بزرگ تر بود؛ خواهران دیگر کرده گشت. زندگی چند روز پیش است بهار کوتاهی را باید گذرانید و زنت امان آرزو مند و سعادت خود را در این می بینم که روزی بانوی پاکدامن و خانه داری مراد در میان گیسوان خویش جای داده و با در میان گلدانی گذارده هر روز صبح کودکان مصوم خویش را گرد من جمع کند و بگوید: از شما می خواهم مانند این گل دل آروزی باقی بماند و مانند او سرزمین مبین مقدس خود و مشام هم نژادان خویش را مطهر سازید.

گل دوم که پروانه سفید و زیبایی بروی گوشه های سرخ غامض در خواب ناز بود گفت: خواهران عزیز من سعادت خود را در این می بینم که سر بازی رشید و فداکار در راه مبین مراد رفته او پیغام نظامی خود جای داده با صدای بلند و مردانه بگوید: ای گل سرخ، به وفاداری و دلبری شیدای راه آزادی سوگند، باید خاک مقدس مبین عزیز را به خود دشمنان بباشد رنگ تو سرخ سام.

گل سوم که هر لحظه وزش نسیم و تاثیر گفته های خواهران بر سرش می گوید، قبل از اینکه بهار سبزی شود و من از میان بروم آخرین امید من در زندگی این است که روزی شاعری یا نویسنده وادیبی مرا چیده نیک در گوشه های سرخ غامض رفیق شده ز با هم را از مد نظر بگذرانند و مرا مخاطب ساخته بگویند:

ای گل زیبا: ای باوایل ای آرایش دهتمه کیسوان دوشیزگان بهنگام شادی تویی لبها با لبی و جاساس دلدادگان تویی گل ای عروس دل آرای بهاران تویی سرچشمه الهام و آفتون بومی که با خون سرخ شهبان راه آزادی به تنگنای رنگین شده ای اشک جگر سوختگان و مادران داغ دیده ترا سیر آب نموده اند. گل چهارم که قطره های شبنم همچون دانه های الباس بر روی باغهای میدرخشید به خواهران خود گفت می چند آوازم ساکت باشی و میان آرزوی من گوش دهی روزی من خود را یک بخت وسادسته می بندم که یک سردار نامی که همدش تا مین آزادی بشر و احقاق حق ملل باشد مرا در میان انگشتان خویش گرفته هنگامیکه جوانان را راهسالی و هدایت میکند بگوید: ای جوانان ای ما آئین این سرزمین مقدس و ای کسا بیگانه کمر همت بته می خواهم مبین عزیز خود را از چنگال غاصبین باز ستایم دولت انان خود را نماند خازین؛ تن پرور و خوش گذران باقی بماند این گل زیبا را بنگرید اگر ترا پرور بکنم بو و لطافت همه چیز او را باد خواهد برد و این زیبایی و دل آرای آن که در لبه بیم بیوستگی بوجود آمده از میان خواهد رفت شایز با هم متحد شویم و آینده خویش و نسل های آتی را در پرتو وحدت زیبایی بنشینیم گل پنجم جدا زمه به سخن تو آمده

گفت خدای بزرگ بهار زندگی مرا طولانی کن شاید در این سرزمین مقدس چند صبا می به شادی و آزادی بگذرانم آنیکه مرا آزار ندهد آنچه زانگامی و روالی کرده این خارهاست که در کنار من روئیده این خارهاست که نیکه دارد می بیاسیم پرودگا و عار را از من دور کن، من دیگر تاب و توان ندارم که با او همچو از باشم از این خار زده ای ورم و مروت نماند ام از او جزیش نپسندم

خدایا: ترا سوگند میدهم به نسیم صبحگاهان و صدای جویبارها و ناله عاشقان صادق مرا از آب و هوای این سرزمین عزیز محروم نگردان گل ناتوان و ضعیفی هستم، آرزو دارم که چندی از زندگی بهره مند شوم. این خار را از من دور کن.

نوز این گل آخرین حیات مناجات خود را بیابان رسانیده بود که بساوی خانه داری در پیشانی کودکان خود وارد پایتبه شد گل بزرگ را کند و چند دقیقه بعد در گلدانی در روی میز صبحانه جای داد. چیزی نگذشت جوان بیروندی که از اعضای همین خانواده موسر بازی رشید و فداکار بود از کنار کلبه گذشت. گل دوم نظرش را بخود جلب کرد آرا کند و گفت چه گل زیبایی مانده است و سرخ است. گل سوم نصیب عضو دیگر این خانواده که شاعر جوانی بود گردید و شاعر جوان گل را گرفت و گفت: ورا

انجمن بهداشت کردستان

بمنظور تأمین بهداشت و تندرستی اهالی کردستان انجمن از آقایان دکتر عبدالعزیز اردلان - دکتر واسمی - دکتر منصور زاده و دکتر اسماعیل اردلان تشکیل گردیده است. این انجمن کلبه لواس بهداشتی کردستان را در نظر گرفته و کلبه پیشنهادات را مورد توجه قرار میدهد. انجمن با استفاده از کمک های مادی و معنوی خبر خوانان و عموم طبقات کردستانیان نهایت کوشش و جدیت را معمول خواهد داشت که بهداشت عمومی در کردستان تأمین گردد. هفته آینده اطلاعات بیشتری در این موضوع با استعاضار خوانندگان محترم خواهیم رسانید.

کوهستان

از طبع آقای ناصر زمانی

دانش آموز دبیرستان شاهپور سنندج

ترازه عشق

نتوانم که غم عشق تو تفسیر کنم سوز خود را بشب حجر تو تفسیر کنم شکوه های دل خود پیش تو تفسیر کنم صنایع با غم عشق تو چه تفسیر کنم تا یکی در غم تو ناله شنیدم کنم آتش عشق تو از کالبدم دور نرود جان من بادگیری مونس و همدم نشود پای من در غم دلیر دیگر نرود دل دیوانه از آن شد که صحبت نشود مگرش هم در سوز زلف تو زنجیر کنم هر شب از سوز درون آموغانم باشد غم و اندوه و دهن فوٹ روانم باشد نام زینده تو در زبانت باشد آرزومان کار زوی دینم جام باشد در نظرهاش رخ خوب تو تصویر کنم نتوانم که کنم چاره زمان شویش؛ شیره گرم جهان تصه بنها و خویش تو و خشم بگره زین سروسامانی خویش با سر زلف تو مجموع برشانی خویش گو بجالی که بکایک غم تفسیر کنم؟ در غم دوری تو خیر نماندم هیبت از بدو نیک جهان دل بیریدم هیبت با زرد کوی وصالت نرسیدم هیبت آنچه در مدت هجرتو کشیدم هیبت در بسکی نامه محالست که تفسیر کنم من از آرزو که گشتم هدف غم و آوی دردم معلوم هجر هیچ نماند تک بوی پذیردم گرا ز مصالحت زشت و نگروی دور شو از بر می او راه طوی بودم بگری من نه ام که در گوش بتزیر کنم

اگر میخواهید نامه کوهستان رونق بیشتری داشته باشد در ازدیاد مشترک آن کوشش فرمائید

بهرمان شاهلاغر - مهم آرد سرپرست و بزرگ خانوادگی که سرداری پیر بود به جسمی میرفت گذرش بیاضیه افتاد از هم گل چهارم را چید و رفت. گل پنجم که هر یک از خواهران را میراد خود رسیده دید غرق در باری فکر و اندوه بود که باغبان سالخورده ای سر رسیده و خاری را که به او پیش و دیده بود قطع کرده او را از شرش رهایی بخشید

آتش اختلاف را

دامن نریند وقتی خواسته تویی را به بیشتر نابودی سوز دهنه موثرترین وسیله ایجاد نفاق در بین اعضای آن قوم است. برای درک این حقیقت تلخ امتیاح ایست که صفحات تاریخ ورق زده شود و از سرنوشت اقوام و ملل مثال هائی بیان کردد. هر کسی در هر سنی باشد شاهد سوزهای بارز این بدبختی است هر کسی در دوران زندگی خود کم و بیش دیده که نفاق در دوست مسیسی را از هم جدا کنند بخون بیکدیگر کرده در برادری دیده آید که در نتیجه نفاق برادریشان بدبختی بددل گشته خانوادها را دیده آید که چون نفاق در آن رسوخ کرده مشکل شده ایلات وادیده آید که بر اثر نفاق از هم منطاش گردیده اقوام را دشمنه آید که بدلت نفاق بکلی از میان رفته و از منطاش تاریخ محو شده آید بدبختی های امروزه منکبت ما از نفاق سر چشمه گرفته و بیچارگی ما تا موقتی که نفاق سگتر ما باشد ادامه خواهد داشت. آنهاییکه نفاق تمیم نفاق میان نشانند از دور ناظر مصول خود بوده بیوقع بهره آن بیخون هیچگونه رنج و زحمتی ندارند میگردند ولی شا که آن تمیم نفاق در میانشان افکنده شده بیوست سرگرم و در رنج و زحمتیست. آن دست های امروز که خودی یا بیگانه است برای استفاده از نفاق شایسته بکار آردم و پنهانی خود مشغول است. بیش از این آلت دست نشود پشیمو بیاید پیشه علت اساسی نفاق یا اختلاف را را لرد خود بنشیند و سعی کنه بجای ادامه دادن به آن راه مرتفع کردنش را بیاید. اگر کسی شمارا با دامه نفاق نشودت کرده باید خطرناکترین دشمن شاست و از او براسیده دوست آن است که شما را براماست هدایت کند شما بپراگر دوستانی دارید و با آنها علاقه مند می کنید بیوست آنها را از اختلاف و نفاق بر حذر دارید اگر میباید دوستی که درونی مشاهده کردید در دامن زدن آتش اختلاف نگوشید بلکه آنها را بدین صفت رسانید امیدوارم این تذکرات دوستانه را بکار بیند. دوستدار شما - خیر خواه

چشم آقای هوشنگ سهرابی

بیکسوال نبرد

روزنامه ملی کوهستان دوازده ماه مبارزه مقدس خویش را به پایان رسانید و اکنون با سلاح برنده تری وارد میدان کارزار شده است در اینصورت لازمی دانم از طرف عموم نواد مردان و زحمات کشتان کرد سپر دبیر دانشمند آن درود و تهنیت فراوان فرستاده و دومین بهار همیشرا صمیمانه تبریک گویم.

قبل از یادایش کوهستان سر زمین سنبل و سترن کردستان قرارگاه ابلهسان تیرکار و غولان بیاد گر شده و بیکر مردمان فرامیسر و جوارش در بر آن سر خرابت شده پنجه های دیون به منقش آدم ناز برون و زجور گشته فریاد و ناله های روستاییان اشکهای بیوه زنان - لغزین ششکشان بهترین صحنه هاوخوشترین آهنگهای موسیقی را تشکیل داده بود ناگهان ناله های مهیب کوهستان سنگوت مرگبار ساکنین این مرزوبوم را در هم شکست با نوای سوزناک خود مانند دگان خواب آورده را برای همیشه هشیار ساخت - اینت بزرگترین وظیفه مقدس ملی بود که روزنامه کوهستان با طرز بسیار مطلوب ولی بیستنا معافانه کارانه نسبت بقوم گرد انجام داد.

اگراد نیز مراتب عشقشاسی و علاقتندی خودشانرا با استقبال شایان صلا ثابت نموده و نشان دادند هنوز روح وحدت و بیکریکی و عشق بیطبیوعات در کالبد آنان باقی و هر آینه حرکت و رهبری داشته باشند می توانست گامهای بلندی در راه ترقی و خوشبختی برداشته و عظمت و ابوغ باستانی را ظاهر نمایند کرد که یا کثرت تیره آریانه بگواهی دوست و دشمن استمداد تکرکی در فرا گرفتن هر دانش و هنری داشته و در شوق جنگی و هلیات لهرمانی گوی سبقت را روده اند - نا داشتند چنین شو فریزه ای توانست اند در تمام ادوار تاریخ مملکت و پیش آهنگ مجاهدین و نفاکاران بوده یا خون جوانان رشید و برومندشان دشتهای زردگاه هر بزبان را دلگین سازند.

انوس در مدت زمانمداری دیکتاتور کبیر کلبه صدات مردانگی و کردار پسنده آنها با زور و تهدید و ترور نو میان برده و از سیر تکامل فرهنگی و اجتماعی قرن بیستم هم محرومان ساختند - بطوری مفلوب و منکوب گشته بودند که وقایع شهریور ۱۳۲۰ و همچنین دوره جدید دیکراسی را خواب و خیالی شردمو روایی جیش ندانسته کارمندان دولت و گروهی از افسران ارتش همینکه پسرزمین بر برکت کردستان میسرستد پناهی عدالت و سزیه گیری با مردمان نیکو خصال و رهبر کرد گداخته و با هزاران دسیسه و تیرک به آزارشان می پردازند.

رفناو بیشتر مامورین بویژه برخی فرماندهان واحد های ارتش چون رفنار نیروهای مسلح ایتالیای فاشست نسبت پشاور غیر و بیوای حبشه است - ماموریت دولت و افسران ارتش همینکه پکردستان متبل بشوند خیال این که

از دیوان یسارانی

له نظر بنف شوروبی

در وصف یید هجون

تسززه بی به تسار ، تسززه بی به تار تسززه بی چ-ون زلف ملسززه و به تار به عسوی پرشنگ طراف بی قراره له پای د بالول کوچ سخت «دوسار» ولک بی ضایف تر ز تسول ز-بون ز-بون ترجمه ترز تسای گسلا یون مه لرسزه و بیاد حیرد صیالی له روی گسل سه وز صصاف مینالی برصمام ازی بی دس نشان دست تسرک تر انصام سالی سینه پیوست پیش در غشخان روغان له بالان توسر سر آوز روی زمین ملان بی آسا جواو بی-زوان لال چون برصصات حاله برا چون احوال منیج نود-ام نازکوه و بییم سر ترز لر زان طاف سر آوییم ناگسا بیی تسقیدر دیده سیایی خاوی آسود صعب خبزه راه جایی آمانسه صایم محصل دانشالان کو کو کوی خرمن خندان دانسالان جوساوه جویسای او نظساره نان جویس سر آویز بی قسار لنان

کردستان جایگاه غولان و حرمین رموز و اسرار است غالباً از ابتدای وضعه معواه امتناع ورزیده و باغیا اجتهاده و طلسم و جادو بنام آگریا شرف نما شده در جهان وهم و اندیشه خود را با رستم دستان و گرشاسبیل و دیو سفید و هیوزه مکار و ویرور می بنیته لپکن بی از چند صیاحی لاف خیالات و تلبیذات پشیمانان بگشت اوزانرا مشاهده کرده پس از چند ملامی با بولهای هنگمت و فرمهای گرانبا و ظروف نفرو بیکه نیا ناز و الامه مزاجت مینمایند - اگراد با اینکه بگواهی عموم مورخین ریشه اصلی و هسته مرکزی ملت ایران را تشکیل داده معیذا با اندازه لایتهای ریخ و معنت را چشیده و دیده برای خاطر آبسوزک بهر جور و جفالی نن داداند در مقابل آینه فداکاری و جانبازی و آینه شجاعت و مبین بیستی ؛ ادش آتسان گوشه ها معروف زمانه - میدان اهدام بالای جوی دار - محرومیت از معاشن و مزایای انسانی بوده و هیچگاه روز خوشرا ندانته اند.

قوم کرد از تمام شتون اجتهادسی و ملی و فرهنگی همیشه بی بهره بوده تا جائیکه بخواندن و نوشتن و تکلم بزبان مادری قادر نبوده بلکه گناه غیر قابل عفو شمرده شده است - ملل منزهه ساکن کشور ایران همگی علاوه بر زبان رسمی فارسی دارای آموزشگاه و مطبوعات جداگانه بوده حتی جراید و مجلات و کتب تالیفاتی را با زبان خویش میکارند مگر کرد که بدبختانه از این رکن اعظم مشروطیت بی نصیب مانده است اینکاش جلوه گیری از زبان بومی و منبع از بروز احساسات و فرایز افکنا میشد درینا تیره پختان ایرانی لاجل سال های متناهیست از دانش و آزادی بهداشت و حق حیات محروم مانده و بقدر قبایل وحشی میگریزی و اسکیمو ولانها ارتش

اخبار سنندج

۱ - در اواخر اسفند دو اتومبیل در راه گرمانشاه مورد فرسترد واقع شده و یک نفر شوفر کشته شده است

XXX

تکلی سر لشکر جهانبانی بندی است به کردستان وارد و مشغول رسیدگی بامور عشایری میباشد.

XXX

عده از افراد وظیفه و عده ای احتیاط علاوه بر موعده قانونی سلاح میباشند توجه تیسار سر لشکر جهانبانی و فرمانده لشکر کردستان باین موضوع جات میگردند

تلگراف انجمن ولایتی کردستان انجمن ولایتی کردستان ضمن تانگراف شاد باقی به پیشگاه امعلحضرت مهابادی استدعای مطلق توجه ذات شاعانه را به کردستان نموده و تقاضا کرده است که این منطقه را نیز مشمول عطیه ملوکانه فرمایند

قتل در سنندج

بقراری که از سنندج اطلاع میرسد محمد نام داداانه بوسیله تفنگ سه نفر در زبان بقتل رسیده فاضیل مشغول و عده ای در ستاد لشکر از دست سمام شوره دو مقام دادند واهی بر آمده اند

اخبار سنز

- ۱ - محروب روز ۱۲۲۲ مبلغ دو میلیون ریال توسط اسکورت زانهاره و دغایات مقر رسیده
۲ - یک ستون سرباز از بادگان تکاب جهت تحریک بادگان سنز وارد شده
۳ - سرسره راستگر که قبلاست یازرسی در شهر باقی سنز را داشت
۴ - ریاست شورایی سنز منسوب شده
۵ - آمد و رفت شبها در شهر کم است شبها تا سه ساعت از غروب گذشته آمد و رفت آزاد است
۶ - شهرداری مشغول سنگ نشین و شفت دیزی بیاده روی بکارفرمایان است
۷ - بملت بارندگی آب رودخانه بسیار زیاد شده بطوریکه مطنبان آن به سنگ ریزه زیاد و روغیابان شهر غراب وارد آورده است
۸ - انجمن شهرداری جلالت متنگی خود را تشکیل میدهد و برای انجمن لرخ عالی تهریت میشود ولی تنها حال تعلیمی مشهود نگردیده است

ورود بکرمانشاه

آقای دکتر سجادی متعصب بسیاری های چشم که اخیرا به کرمانشاه ماموریت یافت بودند چند روز قبل به اجازت وارد گردیدند آقای دکتر سجادی که از پزشکان مطلع و نوع پرورده شده وجودشان در کرمانشاه منقسم و امیدواریم موفق گردد خدمات شایانی به اهالی آن سه و بدبختانه هرچه تا سائر نگر دشمنان و نا کارا را تلاش و برای دفاع از هر تهری و طلب حقوق مشروع خویش بهای وزم شرافتمندانه شده و یک انقلاب مقدس تجدیدخواهی و علمی و صحتی را بر پا سازیم

کوهستان

آبوسان یکسازه داغله
تک فروش داغله ۴ ریال
محل اداره تهران خیابان بهلولی روبروی کوچه بیارستان بهلولی
تلفن ۸۵۳۹

از سفر

از لاین پایه اصلاحات در کردستان

خانه از پای بنه ویران است
خواه در بنه نش ایوان است

تغلمات و تقاضای غیر مرفه جلوبوگیری
کنند دست و سوسر گوین آن همه در اسناد و سیکر
عده محدود بیگانه‌ای که گناه آنها
نقط بی فرهنگ و تفصیر این گناه هم با
اطمینان و بدون اینکه یکطرفی فاضی
رفته باشیم، بگردن اولیای امور است
اکنون گذشته‌ها گذشته و گناهها
و تقصیرات و خطای آن ایام مشغول
هر روز زمان! همه است باید از هم
انجون در نگر آینه بود و بخت جان
هم باعه پایدار وقوع حوادث غیرمترقبه
و ناایمانت جلوبوگیری کرد تا موقعی
که گلهای دانش و معرفت در سرزمین
کردستان شکفته شود، تا دل‌های تاریک
و ظلمانی بنور علم و فرهنگ در این
سرزمین روشن و تاباک نکرده، تا
موفقیکه امکان کشته و بوسیده از گله
مردم مرز نشین کردستان به بیروی دانش
زایل و زدوده نشود **تاهنگامی که**
دل‌های خون شده از ظلم و ستم
و قلدری‌های برخی از مامورین
خانگی هر کردستان با آب ملائفت
و ملامت شسته و پاک نگردند،
تکرار نااملاهای بعید نیست.
از دولت جناب آقای نواب السلطنه
با امیدواری زیاد انتظار داریم که
برای ترقی و سعادت یک قسمت مهم و
بزرگ از بیگر ایران وزیر بطور تمام
و آسایش و ترقی یک مشت مردم کوهستانی
و دلیر، دستور سریع و اکتید صادر
کنند که بیگانه‌های فرهنگی را در
کردستان همواره نواشی سقز و
پانه و سردشت خصوصاً بطور تقسیم دهند
در دهستانها و قراه این نواشی
اتلا مدارس چهار کلاس و یا بیشتر
انتصابی محل تأسیس کنند، وضعیت ملاکت
بار کنونی فرهنگ این سامان را اصلاح
نمایند تا مردم این نواشی با رفعت و
میل فرزندان خود را به کسب دانش
بفرستند و ساط بی سوادی و غیره
برچیده شود، نواشی این نواشی
از وضعیت فرهنگ این سامان در
دست داریم که ثابت می‌گردد که وضعیت
بیگانه‌های فرهنگی ما ساکنین کوهستان
های باختری ایران از ساکنین چنگلهای
افریقا هم برتر است و بهتر و غیره
تر است

فلا بیشتر از این در باره وضعیت
ملاکت بار مدارس و دستاوردی مسکن
و مولد خود بی نویسم. اگر لازمش
در این باره که بستگی شدید با ترقی
تعالی حیات ماساکنین مرزی دارد بهتر
و واضح تر با نواشی موجود برای
استعمار اولیای امور می‌نویسم و خواننده
ارجمند را بیشتر از آن منتر استوار
اندکی پیش تو گشتم هم دل ترمیم
که دل آزرده‌شوی در سخن بیاراست

مردم این آب و خاک مجستانکه
بالوسه از مویا و مقررات قانون بهره
مندوب و مورو می‌شوند. بومان اندازه یکله
بیشتر هم در ترقی و تعالی و مالکس
در مذلت و بدبختی کشور سیم و مغضوار
و تقبل هستند.

دولت‌های سابق که از شهریور
۲۰ با اینطرف چون قیام‌های سینالی و
یا مانده جریان سریع یک ترازی حزن
انگیز همیشه در صحت کشور پنهان کن
خودنای گردند، اکثر برای این ملک
و ملت کاری انجام ندادند و حتی بعضی
از اینت کابینه‌ها اوران سیامو پریشان
تازه و بدبختی پر دفتر سیه روزی کشور
باستانی ایران افزودند و چون بدبختی
کشور سبروسه در مقابل حسن خدمت
تشویق و قدردانی میشود و نه مسبین
سبه روزی ایران و ایرانی معاکه و
مجازات میگردند مانده زانو‌هایی بر
پیکر سعید اینت کشور چسبیده و بایش
هم اندازه و تمام پس از سقوط یک
دولت به شکر قیانه دیگری در ارکان
دولت جدید ظاهر شدند.

کردستان اسفنا بیشتر از سایر
استانها و سایر قسمت‌های کشور همواره
زیر بار نااملاهای و قلدریها و قانون
شکنها بوده و در هیچیک از کابینه‌ها
حتی در نواشی‌های مریش و طویل و
غنت گنده آنها شامل المات اصلاح
و ترمیم و رسیدگی نشده و اگر
احیانا روزی یک عده کوچک از دور
ترتیب زوایای کردستان نصرت تحت
فتار و تعدی برخی از مامورین اقتدا
ببغیرو سبب از روی نادانی و بی سوادی
و بی فرهنگی احیانا چند روزی در
مقابل یک پاسگاه دولتی مقابله میکرده
اولیای مشغول بجای اینتکه بتقویت فرهنگ
ودانش مردمان این سرزمین پردازند
و بدین وسیله از وقوع امثال این سوره

بهداری منتقل نبوده اید و اصل موجب
نهایت سمرت میباشد.
وزارت بهداشت ییت شیرخواهان و
اقدام عام البته آن بانوی محترمه را
که بنظور رفاه اهالی منتج است با
کمال غرضندی تقدیر مینماید و موافقت
دارد بشرایط مندرجه در نامه بالا افراد
انتقال عبارت مزبور در معشر رسمی
داده شود.

شواهدیستند است نایبند خودتان را
مرفی فرماید تا تا معیت نماینده این
وزارت در معشر حاضر و سته رسمی
صافو گردد.

وزیربهداری - دکتر اقبال
این اقدام عام البته که از طرف
یک بانوی کرد شروع گردیده امید است
به کمک علافندان و ماطبه اعالی کردستان
به یک قدم اساسی در راه تأمین بهداشت
عمومی منجر گردد.

خطاب به اهالی مستترم کردستان

هم ولایتی‌های محترم

در مقابل احساسات پاک و بی ۷۲ پشی که بنا سبت هر
گذشت شادروان با سایر آصف وزیری از طرف عموم بردان و
خواهران کردستان ما ابراز گردیده بود نمیتوانم امتنان و تشکری
بنمایم جز اینکه از خداوند متعال تنها آتم که این احساسات پاک
همیشه با برجا بوده و سعادت و نیک بختی دلیوی و اجر اخروی
عموم هم ولایتی‌ها عطا فرماید.

بدین است نقطه احوال و ثبات اشخاص است که میتواند
آنان را در جامعه‌های سادسته نبوده ویا پس از درگذشت نامشان
را زنده نگاهدارد. ما نیز اگر بخواهیم اجرا اخروی کسب کنیم
چرخ سادت به خلق راهی برای بدست آوردن آن نداریم
شس طالب آموزش برای درگذشتگان با قلبی شکسته امروز
بوجدان پاک هم ولایتی‌های خود متوسل شده و از شما مردمان
محترم و نوع پرور کردستان تقاضا مینمایم با اقدام کوچکی که
در راه تأمین بهداشت هم ولایتی‌های خود نبوده‌ام هم آهنگی
فرموده با کمک های گران بهای خود سرپراری از بدبختی را که
دست طبیعت بر دوش عدهای ناتوان و مستند گذارده بردارید
اینجانبه موفق شده‌ام یک دستگاه عبارت موروثی خود را
که از بهترین یادگار خانواده‌گی و مسکن پدر مزبور بوده امروز
برای ایجاد یک بیارستان در سندهج اختصاص دهم
امیدوارم این قدم کوچک بهت بزرگ فایده اعالی کردستان
و معتربین و در سایه نوع دوستی افراد کردستانی و باخواست
شده‌اندی به یک مرحله اساسی و بسیار مفیدی برسد
فقط است آنان که همیشه دلسوز هم ولایتی‌ها بوده‌اند
از بدل مساعدت و با شرکت در هر گونه امور خیریه مشایقه
نخواهند فرمود.

محترم‌الولک اردلان

مسئله بهداشت کردستان

بقیه از اصلاح

پس بیاید این روح و عذاب را که
امروز شریک گیرنده‌های ازم وطن ما
دهد تا آنجا بیکه میتوانیم کم کنیم کت
های خود را از آن درج نداریم از این
همراهی هم خود استفاده کنیم و هم مردم
ما ذیلا یک اقدام اوج پرورانه یک
بانوی کرد را برای شما شرح میدهم و
امیدواریم هر کس بنویسود در زمینه این
قلم از کمک مشایقه نماید.
بانو محترم‌الولک اردلان عسر
شادروان با سایر صفر آصف وزیری یک
دستگاه عبارت مجلل موروثی پدر خود
مرحوم سردار مکرم اردلان را که چهار
صد تا با صد هزار ریال ارزش دارد طی نامه‌ای
پشرح ذیل برای ایجاد یک بیارستان به
وزارت بهداشت و گذار مینماید

مقام وزارت بهداشتی کشور

از نظر بهداشتی به تأسیس بهداشت
عمومی شهرستان سندهج شهانک یک
دستگاه عبارت شش براندوز و بیرونی
و حمام و حمامه در شهر سندهج شهر بعمارت
مرحوم حاج سردار مکرم اردلان طلب تراه
تقریباً بساحت دوهزار متر که دارای
بست اطاق تختانی و فوقانی است و متعلق
به اینجا به میباشد خصوصاً تأسیس بیارستان
سندهج و وزارت بهداشتی انتقال بدهم

که عبارت نامبرده چون تعلق به اجداد
اینجا به داشته اکنون بنظور سه خیریه
محل بیارستان سندهج واقع شود.

بدین است چنانچه تغییراتی بنظور
تأمین این قصه لازم باشد ولو اینکه در
ساختن های اساسی بنای فعلی هم تغییر
وضعی ضرورت پیدا کند بعهده وزارت
بهداری خواهد بود نکته‌ای که در اینت
انتقال ضرورتاً تصریح و تحقق انتقال
موقوف به آن است این است چنانچه وزارت
بهداری با بطور کلی مامورین دولت
در حال یاد آتی بخواهند بر خلاف
قصد و مقصود اصلی این جایه که عنان
تأسیس بیارستان است محل مزبور را
بهر منظور تغییر و اختصاص به دیگری
بدفعت حق خیار فسخ برای اینت جایه
خواهد آمد شرایط قانونی این نام این
مقصود حین تنظیم سته تأمین خواهد
شد.

۱۳۱۴ اردیبه

محترم‌الولک

در جواب این نامه وزارت بهداشتی
می نویسد:

سرکار خانم محترم‌الولک
نامه مورخ ۱۳۱۴ اردیبه که ضمن
آن شهانک یک دستگاه عبارت موروثی
و اندرونی و حمام واقعه در شهر سندهج
را بنظور تأسیس بیارستان به وزارت